appliance [əˈplaɪəns] n. لوازم خانگی

دستگاه قطعه ای است که برای مشاغل خانه استفاده می شود.

→ بسیاری از خانه ها دارای وسایلی مانند اجاق گاز ، توستر و یخچال هستند.

حوض

basin [ˈbeɪsən] n حوض

یک حوض کاسه بزرگی برای شستن وسایل است. به سینک ظرفشویی گاهی حوضچه گفته می شود.

→ حوض را پر از آب کرد و صورتش را شست.

جارو

broom [bruːm] n. جارو

جارو یک برس با دسته بلند است که برای تمیز کردن کف استفاده می شود.

father پدر من معمولاً از جارو برای پاک کردن گرد و غبار زیرزمین استفاده می کند.

کرم ابریشم

کاترپیلار [ˈkætərpɪlər] n کرم ابریشم

کاترپیلار حشره کوچکی است که شبیه کرم است و گیاهان را می خورد.

c پس از خوردن مقدار زیادی برگ ، کرم ها به پروانه تبدیل می شوند.

کابینت

کابینت [ˈkʌbərd] n کابینت

کمد به مبلی گفته می شود که برای نگهداری مواد غذایی یا وسایل خانه استفاده می شود.

→ ما همه ظروف و غذای خود را داخل کمدها می گذاریم.

ظریف

ظریف [ˈdeləkɪt] adj. ظریف

اگر چیزی یا شخصی ظریف باشد ، شکستن یا آسیب رساندن به آن آسان است.

→ شما باید کودک را با احتیاط نگه دارید زیرا او بسیار ظریف است.

ظهور

ظهور [ɪˈməːrdʒ] v ظهور

ظهور از چیزی یعنی بیرون آمدن از آن.

suddenly دست ناگهان از قبر بیرون آمد.

نقص

handicap [ˈhændɪkæp] n. نقص

معلولیت شرایطی است که توانایی های ذهنی یا جسمی کسی را محدود می کند.

→ جو یک نقص جزئی دارد ، بنابراین برای جابجایی از واکر استفاده می کند.

قلاب

قلاب [huk] n قلاب

قلاب قطعه ای از فلز خمیده و منحنی است که برای گرفتن یا نگهداری اشیا استفاده می شود.

→ ماهی به دنبال قلاب تیز رفت.

هاپ

hop [hɔp] v. هاپ

پرش یعنی پریدن از فاصله کوتاه.

k کانگورو به سرعت از خطر دور شد.

خشکشویی

laundry [ˈlɔːndrɪ] n. خشکشویی

لباسشویی لباسی است که شسته شده یا نیاز به شستشو دارد.

→ لباسشویی تمیز را جمع کرد و لباسشویی کثیف را در یک سبد گذاشت.

دنبال کردن

تعقیب کردن [pərjuː] v تعقیب کردن

تعقیب شخصی یا چیزی به معنای تعقیب یا پیگیری اوست.

→ مادر کودک خردسال خود را در پایین تپه تعقیب کرد.

بی میل

رغبت [rɪˈlʌktənt] adj. بی میل

اگر کسی اکراه دارد ، نمی خواهد کاری انجام دهد.

→ او تمایلی به خوردن صبحانه ناچیز نداشت.

آستین

sleeve [sliːv] n. آستین

آستین بخشی از پیراهن است که بازوهای شما به آن می رود.

→ رایان برای گرم نگه داشتن بازوان خود پیراهن جدیدی با آستین بلند خریداری کرد.

ستون فقرات

spine [spaɪn] n. ستون فقرات

ستون فقرات استخوانی است که از وسط پشت بالا و پایین می رود.

sp ستون فقرات به ما کمک می کند تا زیبا و صاف بایستیم.

لکه دار کردن

لکه دار کردن [steɪn] n. لکه دار کردن

لکه یک علامت کثیف است که به سختی تمیز می شود.

→ روی یقه پیراهنش یک لکه قرمز داشت.

نوار

strip [strɪp] n. نوار

نوار قطعه ای باریک از مواد یا زمین است.

→ او نوارهای طولانی فیلم داشت که تصاویری از سفر او به خارج از کشور را در اختیار داشت.

سوگند

swear [swɛər] v قسم خوردن

سوگند خوردن به معنای قول دادن کاری است.

hand من دست خود را بر روی کتاب مقدس می گذارم و قسم می خورم که تمام تلاش خود را برای کشور انجام می دهم.

تاب خوردن

swing [swɪŋ] v. چرخش

چرخاندن چیزی به معنای حرکت دادن آن به عقب و جلو یا از یک طرف به آن طرف است.

→ او می تواند یک باشگاه گلف را بسیار قدرتمند تغییر دهد.

استفاده کردن

استفاده کردن [ˈjuːtəlaiz] v استفاده کردن

استفاده از چیزی به معنای استفاده از آن برای هدفی خاص است.

→ آنها از یک قیچی برای برش روبان استفاده کردند.

بچه گربه و کاترپیلار

بچه گربه کیتی دوست داشت بازی کند. یک روز ، کوری کاترپیلار از سوراخ دیوار بیرون آمد در حالی که کتی در اتاق نشیمن بازی می کرد.

"سلام!" کتی داد زد. "آیا می خواهی با من بازی کنی؟"

کوری اکراه داشت. او گفت ، "من ترجیح می دهم با تو بازی نکنم. من چندین نقص دارم. بدن من بسیار ظریف است. پنجه های شما مانند قلاب تیز است. ممکن است مرا برش دهید. بعلاوه ، من هیچ استخوانی ، حتی ستون فقرات ندارم. شما می توانید به راحتی به من صدمه بزنید. "

کتی گفت: "قسم می خورم که به تو آسیب نخواهم رساند."

دوباره گفت: "نه ، من نمی خواهم". از دیوار پرید اما کتی او را تعقیب کرد.

کوری به داخل آشپزخانه و داخل کمد دوید ، اما کتی به شدت تعقیب کرد. کیتی وسایل خانه را به زمین زد. صفحات به داخل ظرفشویی افتادند و در حوضچه شکستند.

سپس به اتاق خواب دوید. مقداری لباسشویی روی زمین بود. کوری زیر پیراهن پنهان شد ، اما کتی او را دید. پرید روی پیراهن. پنجه هایش لکه هایی روی پارچه باقی گذاشت و پنجه هایش آستین ها را به صورت نوارهایی درآورد.

با این حال ، کوری فرار کرد. او از یک ترک کوچک در کف استفاده کرد تا مخفی شود. اما کتی او را دید.

"حالا شما گیر افتاده اید!" کتی گفت.

کوری سعی کرد از چنگال کتی جلوگیری کند. او بدن خود را تا آنجا که ممکن بود به داخل سوراخ منتقل کرد. او نمی دانست چگونه می تواند از چاله خارج شود.

همان موقع ، صاحب کتی به خانه آمد. او دید که خانه بهم ریخته است. او جاروئی گرفت و آن را به سمت كتی چرخاند. او کتی را از خانه بیرون کرد.

کوری ایمن بود و کتی بیرون ماند زیرا به خواسته های دیگران گوش نداد.